

# Journal of History of Literature

Vol. 16, No. 1 (Ser:87/1) 2023: 29-53

Received: 2023.04.09 - Accepted: 2023.09.03

## Original Article

### A Survey of Shuae Shirazi's Life and Works and Codicology of His Poems

Mohammad Hadi Khaleghzadeh<sup>1</sup>


#### Abstract

Mirza Mohammad Hossein Shuae Shirazi, pen named "Shuae" and tagged "Shuae al-Mulk", is one of the great biographers and poets of the Qajar era and the early Pahlavi age. Earlier researchers have talked briefly about his life and circumstances and they have not mentioned some of his works or have even made mistakes which are addressed in this essay. Unfortunately, although he is considered one of the greatest poets of Fars in that age, his bulky Divan has not been published yet. There are thirteen manuscripts of his poems scattered in the libraries of the University of Tehran, the center of the Great Islamic Encyclopedia, and the Farmanfarmayan Library; each of those copies will be introduced and discussed in this article. The data of this article have been collected using library sources and an attempt has been made for the first time to analyze the texts that Shuae Shirazi edited, wrote, or composed. In this research, Shuae's personal library, one of the few private libraries in Iran, is recognized as containing the main sources for compiling his biography; besides, some books available in that library have been identified and introduced.

**Keywords:** Manuscripts, Shuae Shirazi, Biography, Poetry

---

1. Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Yasouj, Iran, email: M.h.khaleghzadeh@iauyasooj.ac.ir

 ORCID: [0000-0002-3873-286X](https://orcid.org/0000-0002-3873-286X)

 [10.48308/hlit.2023.103847](https://doi.org/10.48308/hlit.2023.103847)



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

# دو فصلنامه تاریخ ادبیات

دوره ۱۶، شماره ۱، (پیاپی ۸۷/۱) بهار و تابستان ۱۴۰۲

مقاله علمی - پژوهشی

صفحه ۲۹ تا ۵۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰

## بازشناسی احوال و آثار و نسخه‌شناسی اشعار شعاع شیرازی

محمد هادی خالقی زاده

### چکیده

میرزا محمد حسین شعاع شیرازی، متخلص به «شعاع» و ملقب به «شعاع الملک» از تذکره‌نویسان و شاعران عهد قاجار و اوایل دوره پهلوی است. محققان پیشین در مورد زندگی و احوال وی به کوتاهی سخن رانده‌اند و به برخی از آثار وی اشاره نکرده یا دچار لغزش‌هایی شده‌اند که در این مقاله به آن‌ها پرداخته خواهد شد. با وجود آنکه وی از بزرگ‌ترین قصیده‌سرایان فارس در آن دوره محسوب می‌شود ولی متأسفانه هنوز دیوان حجیمش منتشر نشده است. از اشعار وی سیزده نسخه پراکنده در کتابخانه‌های دانشگاه تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و کتابخانه فرمانفرمایان وجود دارد که در این مقاله یکایک آن نسخ معرفی شده و مورد بحث قرار خواهد گرفت. این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و تلاش گردیده است متونی که شعاع شیرازی آنها را تصحیح کرده، نوشته یا سروده است مورد تحلیل قرار گیرد. در این پژوهش کتابخانه شخصی شعاع که جزو کتابخانه‌های شخصی کم‌نظیر ایران بوده و شامل منابع اصلی برای تدوین تذکره‌های وی بوده معرفی و برخی کتاب‌های موجود در آن کتابخانه مورد شناسایی قرار گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** نسخ خطی، شعاع شیرازی، زندگی‌نامه، شعر

M.h.khaleghzadeh@iauyasooj.ac.ir

ORCID: 0000-0002-3873-286X

doi: 10.48308/hlit.2023.103847

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسئله

برخی از پژوهشگرانی که پیش از این بر روی زندگی، احوال، آثار و نسخ خطی اشعار شعاع شیرازی تحقیق کرده‌اند گاه دچار لغزش شده‌اند و گاه اطلاعات ارائه‌شده توسط آنان ناقص بوده است. شاید دلیل آن عدم انتشار دیوان اشعار شعاع شیرازی بوده است چرا که یکی از بهترین راه‌های رسیدن به اطلاعات شخصی و حرفه‌ای هر شاعر اشعار باقی‌مانده اوست، این پژوهشگر پس از مطالعه نسخ خطی اشعار شعاع برخی اطلاعات تکمیلی به دست آورده که منجر به پیدایش این مقاله گردید. این مقاله که با روش کتابخانه‌ای تدوین شده است به زندگی، احوال و آثار شعاع به عنوان یکی از شاعران قصیده‌گوی عهد قاجار خواهد پرداخت و در پایان فهرستی از نسخ خطی اشعار وی ارائه خواهد نمود.

### ۱-۲. پرسش‌های پژوهش

پژوهشگر در این تحقیق بر آن است که ضمن معرفی و بررسی زندگی و آثار شعاع شیرازی، به این پرسش‌ها پاسخ دهد: آیا در آثار پیشین، تمامی زوایای زندگی و احوال شعاع شیرازی بررسی شده بود؟ آیا پژوهشگران گذشته، تمامی آثار شعاع شیرازی را معرفی کرده‌اند؟ آیا فهرست‌نویسان، علاوه بر معرفی نسخ خطی اشعار شعاع شیرازی، دست‌نویس‌های مذکور را تحلیل هم کرده‌اند؟ چرا دیوان شعاع به عنوان یک شاعر کمتر شناخته شده است؟ برای پاسخ به این سؤالات با مطالعه ۱۳ نسخه خطی یا ۱۱۰۲۰ بیت، به بررسی و استخراج زندگی و احوال و تحلیل نسخ خطی دیوان وی پرداخته‌ایم.

### ۱-۳. پیشینه پژوهش

پیش از این کمتر اطلاعاتی در مورد شعاع، آثار و نسخ خطی اشعارش ثبت شده است ولی مصححانی که تذکره‌های او را منتشر کرده‌اند در مقدمه به معرفی وی پرداخته‌اند. در سال ۱۳۸۰ استاد محمود طاووسی تذکره شعاعیه را تصحیح نمود که بنیاد فارس‌شناسی آن را منتشر کرد (نک: شعاع، ۱۳۸۰: مقدمه) در مقدمه این تصحیح با وجود اطلاعات مفید و مبسوط، برخی آثار شعاع معرفی نشده و گاهی در ذکر سال‌ها لغزش‌های نادری دیده می‌شود. در سال ۱۳۹۲ نیز عبدالرسول فروتن تذکره شکرستان پارس شعاع را در دو مجلد تصحیح نمود که مجمع ذخایر اسلامی آن را منتشر نمود (نک: شعاع، ۱۳۹۲: مقدمه) برخی اطلاعات این مقدمه با پشتوانه تذکره شعاعیه کامل شده ولی به علت عدم دستیابی به اطلاعات مثبت در دیوان اشعار

شعاع، بعضی اطلاعات ناقص یا نادرست در آن مشاهده می‌شود. در مورد معرفی نسخ خطی اشعار وی هم پیش از این اطلاعاتی منتشر نشده است.

## ۲. بحث و استدلال

### ۲-۱. زندگی و احوال

میرزا محمد حسین شعاع شیرازی، متخلص به «شعاع» و ملقب به «شعاع‌الملک» از ادیبان، نویسندگان و شاعران عهد قاجار و اوایل دوره پهلوی است. وی «در روز شنبه، یازدهم ذی‌قعدة الحرام ۱۲۸۹ قمری<sup>۱</sup> [برابر با جمعه ۲۱ دی‌ماه ۱۲۵۱ شمسی] یک ساعت قبل از ظهر به طالع حوت در دارالعلم شیراز پا به عرصه عالم نهاد» (شعاع، ۱۳۵۰ق: برگ ۱ر)

چون هزار و دویست را هشتاد

نه فزون شد ز شهر ذیقعدة

زاد مادر مرا به طالع حوت

یازده از ماه و هفته بُد شنبه

چون برادرِ مهترش که سه سال از او بزرگ‌تر بود، محمد حسن نام داشت، نامش را محمد حسین نهادند:

چون محمدحسن برادرِ من

بُد ز مولد سه سال از من مه

کرد مشتق ز نام او نامم

بست تصغیر نام مه بر که

نام پدر وی چنان که خود می‌نویسد: «حاجی ابوالحسن، ابن درویش محمد ابراهیم، ابن حاجی علی‌رضاخان است» (همانجا) که حالات هر یک از آنان در تذکره شکرستان و شعاعیه آمده است. مادرش از سادات و دختر شاعری به نام میرزا محمدعلی متخلص به «ناطق» بود. شعاع در «حال و مقال» خود می‌نویسد: «در هفت سالگی پدر به همراهی مهین برادر به معلم داد و دقیقه‌ای از راه تربیت فرونهاد» (همان، ۲پ)

چون رسیدم به رشد، بابِ کریم

به معلم سپردم و تعلیم

پس به ناچار پیش افکندم

سرِ تعظیم و گردنِ تسلیم

از آنجا که شعاع با مهین برادرش، هم‌کلاس بوده پس استادان برادرش (دبیر شیرازی) استادان وی نیز بوده‌اند. خود شعاع در احوال «دبیر شیرازی» می‌نویسد: سواد فارسی را نزد کربلایی قربانعلی و مقدمات عربی را نزد آخوند ملاخواجه اصطهباناتی فراگرفت (شعاع، ۱۳۸۰: ۱۶۵). شعاع در سیزده سالگی به تکمیل علوم پرداخت. وی پدرش را در ۱۳۰۳ قمری از دست داد و در چهارده سالگی یتیم شد. (همان: ۵۳۵) و مدتی پیش از سال ۱۳۱۲ قمری نزد میرزا امین مشهدی (درگذشته به سال ۱۳۱۲ق) که در شیراز اقامت داشت، به

یادگیری نجوم پرداخت (فرصت شیرازی، ۱۳۷۵: ۹۰۹) چنان‌که از مادّه‌تاریخ اشعارش برمی‌آید در سال ۱۳۲۷ قمری برادر کوچک خود میرزا عباس متخلّص به «زرگر» و در سال ۱۳۳۵ قمری برادر بزرگ خود میرزا حسن متخلّص به «دبیر» را از دست داد و در سال ۱۳۳۹ قمری، مادر او -مریم بیگم- جان به جان‌آفرین تسلیم کرد.

در ربیع‌الثانی ۱۳۴۱ قمری پس از ۳ سال پیگیری او و ممدو حانش توسط احمدشاه قاجار به «شعاع‌الملک» ملقب گردید. شعاع هرگز همسری اختیار نکرد و تمام عمر عزب یا مجزّد ماند:

یکی به غمزه دهد جلوه روی خویش به من بدین خیال که خود خوشگل است و من عزیم  
وی خود را در شناخت عتیقه متخصّص می‌دانست و می‌گفت: «متخصّص به جهان بودم از اشیای  
عجب». البته اشعار شعاع گویای آن است که او اندک حقوق دولتی نیز دریافت می‌کرده است:

مرا قلیل حقوقی است از ایالت فارس که نیست حاجتم از هیچ ره به عرض ثبوت  
شعاع سرانجام در ۷۲ سالگی<sup>۲</sup> «در عصر روز چهارشنبه دهم خردادماه ۱۳۲۳ شمسی مطابق هشتم  
جمادی‌الآخر سنه ۱۳۶۳ هجری قمری در شیراز درگذشت» (شعاع، ۱۳۸۰: ۱۶؛ قزوینی، ۱۳۲۷: ج ۷،  
۲۲۲۹) متأسفانه درباره محل دفن شعاع، در هیچ منبعی حتّی در مجلات آن تاریخ، مطلبی نیامده، ابتدا  
احتمال نویسنده این سطور آن بود چون پدرش در حافظیه دفن شده، او نیز در کنار پدر مدفون باشد؛ یا آنکه  
چون شعاع، متولّی تکیه «هفت‌تنان» بوده در همان محل به خاک سپرده شده باشد ولی عبدالحمّد دانشور  
در کتاب در جستجوی رفتگان در شیراز نوشته است: «در ردیف شماره ۴۹۲ آن دفتر (دفتر متوفیات شیراز در  
سال ۱۳۲۳) نام محمد حسین شعاع فرزند ابوالحسن درج شده بود. پزشکی که اجازه دفن را صادر کرده بود،  
پزشک قانونی شهرداری و محل دفن نیز قبرستان دارالسلام نوشته بود.» (دانشور، ۱۴۰۱: ۲۰۹) بنابراین  
شعاع در دارالسلام شیراز به خاک سپرده شده، اگرچه اثری از سنگ قبر ایشان برجای نمانده است.

## ۲-۲. دلایل گمنامی شعاع

گمنامی شعاع علل گوناگونی دارد، شاید یکی از دلایل گمنامی شعاع، عدم مقبولیت ایشان در زمان حیات، در  
نزد مردم آن عصر، به‌ویژه ادبا و شعرا بوده است. تکبیر، اخلاق تند و ناسازگاری ایشان با مردم، زبانزد بوده که  
همین امر باعث شد حتی پس از وفات شعاع نیز در جرّاید آن روزگار، کمتر از وی یاد شود و حتی از محل دفن  
او ذکری به میان نیاید. دلیل این ادعا آن است که رکن‌زاده آدمیت که از دوستان وی بود و با یکدیگر حشر و  
نشر داشته‌اند، می‌نویسد: «از آن مرحوم جز انتقاد و بدگویی از شعرا و نویسندگان معاصر ایران عموماً و شیراز

خصوصاً چیزی نشنیدم» (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۳۷، ج ۳: ۲۶۸) برای نمونه شعاع با شاعر همعصر خویش، شوریده شیرازی نیز دشمنی داشت و هجو «شوریده» در دیوان شعاع به کزات دیده می‌شود زیرا خود را اشعر شاعران می‌دانست:

سخن‌سرای چون من دگر نخواهی جُست      اگر بیابی و جویی ز مُلک تا ملکوت  
به غیر شاعر کز خوانِ کور، شوریده      که بسته تارِ وجودش به برگ و شاخه توت  
سخن‌وران معانی مجرّد آمده‌اند      یکی به حکمِ ضرورت به عرصه ناسوت

رکن‌زاده آدمیت دلیل این خصومت را زندگی مرفّه شوریده می‌داند (نک: همان، ج ۳: ۳۵۸) اما دلیل دیگر این دشمنی شاید آن بوده که شوریده نیز او را هجو بسیار کرده و در اشعارش به خاطر قامت بلند این شاعر به او لقب «لک‌لک الشعرا» یا «لق‌لق الشعرا» داده بود:

خالِ ننگی که لقلق الشعراست      بر سخن جاودانه می‌ماند...

(شوریده شیرازی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۷۳۹)

دلیل دیگر این گمنامی آن است که یکی از علّت‌های اشتهار، انتشار آثار هنری هر شاعر است. اشعاری که در زمان حیاتش قرار بود منتشر شود ولی تاکنون چاپ نشده است. شعاع نه دو ستداری داشت تا پیگیر انتشار آثارش شود و نه هرگز ازدواج کرد تا نسلی از او بر جای بماند و پیگیر چاپ آثارش باشد. سوم آنکه شعاع در سایه‌سار شاعران بزرگ عهدِ خویش یعنی شوریده شیرازی و ملک‌الشعرا بهار پنهان مانده و دوستان ادب، بیشتر وی را به عنوان یک تذکره‌نویس می‌شناسند تا یک شاعر.

## ۲-۳. آثار شعاع

در پایان نسخه شماره ۳۰۰ کتابخانه دانشگاه تهران که به خط خود او ست فهرستی مختصر از نام، اصل، نسب و آثار شاعر افزوده شده است. در آن نوشتار کوتاه آمده: «دیوان اشعار، متجاوز از سی هزار بیت مدون و معین است» که البته تقریباً یک سوم این ابیات در دست‌نویس مذکور موجود است و با وجود جمع‌آوری اشعار دیگر از نسخ متعدد، امروزه ۱۱۰۲۰ بیت از وی بر جای مانده که باز هم با سی هزار بیت فاصله زیادی دارد. او همچنین در مقدمه «حال و مقال» می‌نویسد: «تاکنون زیاده از دویست هزار بیت از نظم و نثر به یادگار در صفحه روزگار نهاده و عمر عزیز را بدین وتیره بر باد داده» (شعاع، ۱۳۵۰ ق: ۳) در مورد این ادعا باید اذعان کرد که البته مقصود شعاع ابیاتی است که در تمامی آثار او جمع‌آوری شده است که در همان مورد نیز اغراق نموده، زیرا در باب تذکره شکرستان هم دچار چنین مبالغه‌ای گردیده است. شعاع در مقدمه اشعه

شعاعیه آورده است: «تذکره شکرستان زیاده از هفتاد هزار بیت از نظم و نثر شعرای مشرق‌زمین و فصحای مقدّم، متوسّطین و متأخرین است» (شعاع، ۱۳۲۹ق: ۳پ و ۴ر) در حالی که در «تک‌نسخه باقی‌مانده از این تذکره تنها حدود هفت هزار بیت موجود است» (شعاع، ۱۳۹۲: ج ۱: ۴۱) اگر نیمه مفقوده شکرستان پارس را نیز همین میزان فرض کنیم این اثر حاوی حدود ۱۴ هزار بیت بوده است که با ادعای شعاع هم‌خوانی ندارد. بنابر این مباحث و شناخت اجمالی که از روحيات شعاع به دست آمده می‌توان هم در تعداد ادعایی ابیات دیوان (۳۰ هزار بیت) و هم در تعداد ابیات تمامی آثارش (۲۰۰ هزار بیت) دچار تردید شد.

نکته مهم و قابل توجه دیگر آن است که تعداد ابیات باقی‌مانده از شعاع تا سال ۱۳۵۲ قمری است که جای اشعار بین سال‌های ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۶۳ قمری (سال وفات شعاع) خالی است.

شعاع غیر از اشعار، آثار متعددی دیگری دارد که محققان پیشین به برخی اشاره کرده‌اند و در این مقال تلاش شده است که آثار شعاع تا جایی که مورد شناسایی این پژوهشگر قرار گرفته معرفی و مطرح گردد. شعاع در «حال و مقال» آورده است: «اسامی پاره‌ای از تألیفاتم این است: تذکره شکرستان فارس، تذکره شعاعیه، اشعه شعاعیه که قسمتی از آن در پاورقی روزنامه فارس درج گشته منهای تقاریظ و دیباچه‌ای که بر دواوین شعرای مقدّم و اساتید مسلم نوشته گشته.» (شعاع، ۱۳۵۰ق: ۲پ) ولی حقیقت این است که این مطالب را در سال ۱۳۵۰ قمری نگاشته که هنوز بیش از یک دهه از عمر او باقی بوده است و فهرست آثار وی بیش از آن است که ذکر کرده که در ادامه، به تفصیل به آنان پرداخته خواهد شد.

## ۲-۳-۱. جنگ‌ها و تذکره‌ها

### الف. تذکره شکرستان پارس

شعاع‌الملک این تذکره را که نخستین اثر اوست «به فرمان شاهزاده علی نقی میرزا رکن‌الدوله و در زمان فرمان‌روایی پدر این شاهزاده در شیراز به سال ۱۳۱۳ قمری تألیف کرد» (شعاع، ۱۳۸۰: ۳۴) و به این سال در چند جای شکرستان پارس نیز اشاره می‌کند (نک: شکرستان پارس، ۶۹پ، ۸۹ر، ۱۰۰ر) متأسفانه تنها یک نسخه از جلد نخست این تذکره در دست است که به شماره ۹۱۵۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. این نسخه در برگزیده احوال و اشعار ۸۱ شاعر از «آثار ارسنجانی» تا «شوریده شیرازی» است که البته جای یک ترجمه (حشمت) خالی مانده، گلچین معانی به اشتباه آن را شامل ۷۹ ترجمه دانسته که جای چهار ترجمه نانوخته است. (نک: گلچین معانی، ۱۳۵۰: ۷۴۷)

احتمالاً این تذکره در اصل دو مجلد داشته و «جلد دوم شامل تراجم شاعرانی می‌شده که حرف اول

تخلص آنان «ص» تا «ی» بوده است. همچنین این تذکره مقدمه ندارد که دو احتمال در این زمینه می‌توان مطرح نمود؛ یا تذکره شکرستان اصلاً مقدمه نداشته و یا مقدمه آن از آغاز این نسخه افتاده است که با توجه به اینکه دو تذکره دیگر وی (شعاعیه و اشعه شعاعیه) مقدمه دارند، احتمال نخست ضعیف‌تر به نظر می‌رسد. (فروتن، ۱۳۹۱: ۹)

شعاع‌المُلک در مقدمه خود بر اشعه شعاعیه (۳پ و ۴ر) می‌نویسد: «چون بعضی از دوستانِ جانی و برداران روحانی از دور و نزدیک، تُرک و تاجیک، خواهش و درخواست طبع و انتشار تذکرتین مسمی به شکرستان فارس و شعاعیه... نموده‌اند، در انجام امر آن بزرگان جهان و سخن‌ورانِ مهان عجلتاً از دور راه معذور است و صورت دادن آن کار بزرگ از خود حقیر دور، طبع تذکره شکرستان که زیاده از هفتاد هزار بیت از نظم و نثر شعرای مشرق‌زمین و فصحای مقدم، متوسطین و متأخرین است، با این بضاعت مزجات و عدم اجزای مطیع و نواقص کارخانجات، آسان شمردن کاری مشکل است و پای در گل» (شعاع، ۱۳۲۹ق: ۳پ و ۴ر) شعاع در خلال اشعارش درباره تألیف شکرستان می‌سراید:

کتابی تذکره تصنیف کردم                      که او را نام باشد شکرستان  
ز شعر شاعران نکته‌پرداز                      مزین گشته یک‌سر چون گلستان

### ب. جنگ شعاع

نسخه خطی این جنگ اشعار از شعاع‌المُلک به شماره ۹۶۴۸ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ثبت شده است. گویا بخشی از نسخه، به خط حسن بن شیخ علی قفطایی سعدی نجفی و بخشی به خط علی اکبر نامی است. این جنگ دارای ۲۲۳ برگ ۱۲ سطری است که شعاع پس از نگارش تذکره شکرستان پارس به آن مشغول شده و شعر ۳۷ شاعر را در آن گرد آورده است.

همچنین در این جنگ، اشعاری در مدح صاحب‌منصبانی همچون مظفرالدین شاه قاجار و حکمرانان فارس دیده می‌شود. این جنگ با این جملات آغاز می‌شود: «بسمله. مکشوف باد من بنده محمدحسین الشریف ابن الحاج ابوالحسن الشیرازی مؤلف تذکره شکرستان پارس که خاص از برای شعرای متقدمین و متوسطین و متأخرین و معاصرین آن بلد نوشته شده...»

شعاع در اوایل این جنگ (۴۰پ) از تألیف تذکره شکرستان پارس سخن می‌گوید و از آنجا که این تذکره در سال ۱۳۱۳ قمری نوشته شده بنابراین گردآوری این مجموعه به سال ۱۳۱۴ قمری آغاز شده و چندین سال به طول انجامیده است چرا که در همین اثر ترکیب‌بندی از فصیح‌الزمان رضوانی درباره مشروطه (۱۳۲۴ قمری به بعد) وجود دارد. در چند جای نسخه (شعاع، ۱۳۱۳: ۱، ۲۹، ۵۰، ۱۳۴، ۲۰۶، ۲۱۵ ر)



مُهر بیضوی «شعاع» و در اوّل نسخه، مُهر کتابخانه «باقر ترقّی» دیده می‌شود.

### ب. تذکره شعرا

نسخه‌ای از تذکره شعرای شعاع به شماره ۷۹۱۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است و شامل شرح حال و اشعار شانزده شاعر است (نک: صدرایی خویی، ۱۳۷۶: ۳۹۲) شعاع شرح حال این شعرا را با استفاده از کتب منحصر به فرد کتابخانه‌اش در سال ۱۳۵۱ قمری نوشته، اما ناتمام مانده است. همچنین در پایان، سواد مراسله وی با سالار جنگ، از دوستان و شعرای هم‌عصر شعاع، به تاریخ دوشنبه ۲۸ ذی‌الحجه ۱۳۵۱ قمری دیده می‌شود.

### ت. تذکره شعاعیه یا نمکدان فارسی

تذکره شعاعیه در میان تذکره‌های شعاع، مهم‌ترین و مفصل‌ترین آن‌هاست چرا که اشعه شعاعیه خلاصه‌ای از تذکره شعاعیه است و شکرستان پارس نیز ناقص است. این اثر در بردارنده شرح حال و منتخب اشعار صدوینج نفر از شاعرانی است که مؤلف در فاصله زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۰۰ قمری آن‌ها را دیده یا از زبانشان شعری شنیده است. این اثر از نظر ادبی، تاریخی و اجتماعی اهمیت فراوانی دارد.

شعاع در مورد تصحیح و طبع این اثر در مکتوبات خویش اشاره‌ای دارد و معلوم است در زمان حیات به دنبال چاپ و نشر آن بوده. ابتدا در سال ۱۳۲۳ قمری نسخه‌ای از آن کتاب برای رکن‌الملک در اصفهان می‌فرستد و رکن‌الملک ضمن استقبال از چاپ آن می‌نویسد: «در باب طبع کتاب تذکره، حاضریم و به هر طریق که میل شما باشد اخبار بدهید که منتظریم. اگر میل دارید بفرستید به اصفهان در آنجا چاپخانه از خود مهجور دو سه دستگاه هست، به طبع می‌رسد. اگر می‌خواهید بفرستید بمبئی به طبع برسد، آن را هم بنویسید. در هر صورت چون نسخه را خواسته بودید که عودت دهد باز پس فرستاده شد» (شعاع، ۱۳۴۷ق: ۱۷۶). شعاع پس از ارسال نسخه برای رکن‌الملک جهت بازنگری تقاضای عودت آن می‌نماید و در سال ۱۳۲۴ قمری نامه‌ای به «فرصت شیرازی» می‌نویسد و می‌گوید: «تذکره شعاعیه را که سابقاً به اصفهان خدمت جناب جلالت‌مآب اجل آقای رکن‌الملک مدّظله‌العالی فرستاده بودم به و ساطت پُست خدمت ایشان استدعا نمودم که کتاب مذکور را عودت به شیراز دهند تا نگاه ثانی که ادق‌المعانی است، در او شود. به عبارتِ اخری نواقصش کامل و کمالش شامل آید... لکن کلید تصحیح و تکمیل آن کتاب به دست همت و مردانگی آن جناب است. یقین است که عرایض ذیل را قبول و به مدلول الاکرام بالاتمام اقدام خواهند نمود.» (همان، ۷پ)

آن‌گونه که از این نامه‌ها مستفاد می‌شود همین بازنگری، تعلّل، حساسیت و عدم دستیابی به عکس‌ها

باعث شد چاپ کتاب به نهایت نرسد تا آنکه در سال ۱۳۸۰ خورشیدی یعنی ۵۷ سال پس از وفات شعاع، این تذکره به تصحیح محمود طاووسی منتشر شد.

### ث. اشعه شعاعیه

این اثر که به شماره ۳۰۴/۱ جزو کتاب‌های اهدایی علی‌اصغر حکمت در کتابخانه دانشگاه تهران است دربرگیرنده احوال ۴۲ شاعر است که شعاع آن را در سال ۱۳۲۹ قمری تألیف کرده است. شعاع المُلک در مقدمه خود بر اشعه شعاعیه متذکر می‌شود که تذکره شکرستان بیش از هفتاد هزار بیت و تذکره شعاعیه حدود ده هزار بیت دارد و چاپ آن دشوار، پس خلاصه‌ای برای دو ستداران تألیف نموده است. او می‌نویسد: «نظر به این تقریر و تحریر، اکنون طبع و انتشار آن دو تألیف منیف را حواله تقدیر داد و به جهت اجابت مسألت یاران به تمیق و تلفیق از روی تذکره شعاعیه نگاشتم. نامش را اشعه شعاعیه گذاشتم. مخفی نماند که شعرابی که در این نامه نامبردارند اشخاصی خواهند بود که درک سال ۱۲۸۹ را که میلاد مؤلف در آن سنه بوده، نموده‌اند یا از آن تاریخ الی زماننا که مدار سال هجری قمری نبوی به ۱۳۲۹ پیوسته است زبان را به سخنوری گشوده‌اند» (شعاع، ۱۳۲۹ ق: ۳ و ۴)

این اثر، منتخب و خلاصه تذکره شعاعیه است «با افزوده‌هایی که ظاهراً نویسنده بعدها افزوده و بخشی از آن را از محرم سال ۱۳۳۶ تا ذی‌حجه سال ۱۳۳۷ قمری در روزنامه هفتگی پارس چاپ نموده است» (شعاع، ۱۳۸۰: ۱۵). شعاع، ماده تاریخ تألیف تذکره اشعه شعاعیه (۱۳۲۹ ق) را چنین سروده:

این اشعه ز شعاعیه بشد گلچینی  
تا که در وی نگرد دیده روشن‌بینی...  
بهر تاریخ وی از خط شعاعی جستم  
تا که از طبع سخن سنج کند تعیینی  
در نخستین سخن و باز پسین گفته سرود:  
«این اشعه ز شعاعیه بشد گلچینی»

برگزیده‌ای از این تذکره به کوشش محمد رضای هزار شیرازی با نام نامه خردپژوهان به سال ۱۳۰۵ شمسی در چاپخانه هزار شیراز منتشر شده است. (نک: هزار شیرازی، ۱۳۰۲)

### ج. رساله شعاعیه

رساله شعاعیه به همراه ذکر احوال و اشعار سه شاعر یعنی زرگر اصفهانی منقول از شکرستان پارس (برگ ۲پ)، حجاب شیرازی (برگ ۲۸ر) و مضطرب شیرازی (برگ ۴۲پ) یکی دیگر از آثار تذکره‌گونه شعاع است. نسخه‌ای از این مجموعه به شماره ۲۹۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود و در فهرست نسخه‌ها عنوان «جنگ» بر آن نهاده‌اند (نک: دانش‌پژوه، ۱۳۴۶: ۱۲) در ابتدای نسخه، مقدمه شعاع و شرح احوال سه شاعر منقول از سه تذکره وی آمده به کتابت برادر شعاع یعنی محمدحسن دبیر در ذی‌حجه ۱۳۲۲

قمری. این در حالی است که محمد تقی دانش‌پژوه (همانجا) در فهرست نسخه‌های خطی آن را به کتابت خود شعاع دانسته، ولی این صحیح نیست زیرا فقط بخش رساله شعاع به خط خود شعاع در شعبان ۱۳۲۲ قمری نوشته شده است و مابقی به خط برادر مهتر وی است.

در پایان این مجموعه، رساله شعاعه واقع شده که شعاع آن را به اشاره منصور میرزای شعاع السلطنه تألیف کرده (شعاع، ۱۳۲۲ ق: برگ ۸۲ پ) و «شامل ابیاتی از شعرای متقدم و متأخر است که دارای لفظ 'شعاع' هستند» (همان: برگ ۸۲ پ). در چندین صفحه این نسخه، مهر خود شعاع نیز به چشم می‌خورد (همان: ۴۱، ۸۲ و ۱۱۶ پ)

## ۲-۳-۲. آثار ذوقی شعاع

### الف. دیوان اشعار

شعاع در زمان حیاتش (یعنی سال ۱۳۴۹ ق) این دیوان را مدون نمود تا به چاپ برساند چنان‌که در قطعه‌ای به مستر گراهام کنسول انگلیس در اصفهان می‌نویسد:

|                            |                              |
|----------------------------|------------------------------|
| که شد مُلکِ عجم از وی منظم | به دورانِ مظفر شاه غازی      |
| بشد این دفترِ متقن، فراهم  | رسید این نامه‌ نامی به پایان |
| به معنایش بلاغت گشته مدغم  | ز الفاظش فصاحت هست ظاهر      |

اما متأسفانه طبع این اثر تحقق پیدا نکرد و تاکنون نیز به چاپ نرسیده و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و کتابخانه فرمان‌فرمایان نگهداری می‌شود. <sup>۳</sup> در این ۱۳ نسخه خطی ۱۱۰۲۰ بیت از شعاع دیده می‌شود که شامل ۱۴۹ قصیده (۳۷۷۸ بیت)، ۱۹۳ غزل (۱۷۵۹ بیت)، ۲۳۵ قطعه (۱۵۹۳ بیت)، ۱۲ مثنوی (۲۷۲ بیت)، ۱۵ مسمط (۴۴۰ مسمط)، یک ترجیع‌بند (۹۰ بیت)، ۵ ترکیب‌بند (۲۶۶ بیت)، ۲ مستزاد (۳۲ بیت)، ۲۳۴ رباعی (۴۶۸ بیت)، ۱۷۶ ماده تاریخ (در قالب قصیده، قطعه، دوبیتی و مثنوی، ۱۲۸۱ بیت)، ۱۵۸ هجو و هزل (در قالب قطعه، مسمط و غزل، ۹۷۸ بیت) و ۲۶ شعر پراکنده (۶۳ بیت) است.

### ب. هجونا مه شعرا

شعاع در مثنوی زیر که به جهت نواب علی نقی میرزای عین‌الملک سروده، اذعان می‌کند که دو اثر خود را یعنی هجونا مه شعرا و شکرستان پارس به نام وی تألیف کرده است:

ای هنرپرورِ خجسته‌خصال  
 دو کتاب سَمیّ با تعریف  
 اوّلین هجونامه شُعراست  
 دیگری نیز تذکره شُعراست  
 وین کتاب بدیع شد چو تمام  
 شکرستانِ فارس دارد نام  
 وی بلند اخترِ همایون‌فال...  
 شد به نامِ مبارکت تألیف  
 که در او ثبت گشته بی‌کم و کاست...  
 که شعاعش چو روی مهر آراست

به نظر می‌رسد این هجونامه که هزلیات را هم دربر می‌گیرد همان نسخه خطی ۳۰۱ کتابخانه دانشگاه تهران است که شامل هزلیات و هجویات شعاع است. در ابتدای این نسخه خطی ۵۳ برگه یا ۹۶۸ بیتی آمده است: «دفتر هزلیات و هجویات و مطالبات از کلیات دیوان افصح‌المتکلمین و املح‌المترسّیلین آقا میرزا محمّد حسین شیرازی المتخلّص به شعاع استنساخ شد.»

### پ. حال و مقال

حال و مقال اثری است دارای ۱۷۹ برگ که به شماره ۲۹۷ بخش اهدایی مرحوم حکمت در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. شعاع در ۴ صفحه حسب حال و زندگی‌نامه خود را شرح داده و آثار خویش را معرفی نموده است.

### ۲-۳-۳. مقالات شعاع

#### الف. سلسله مقالات مجد همگر

شعاع مقاله‌ای تحت عنوان «مجد همگر» دارد که در شماره ۲، ۳، ۴ و ۵ مجله ارمنان سال ۱۳۱۲ (تیر و مرداد) چاپ شده است. مقاله نخست از صفحه ۹۷ تا ۱۰۲ شماره دو، مقاله دوم از صفحه ۲۱۵ تا ۲۲۲ شماره سه، مقاله سوم از صفحه ۲۷۵ تا ۲۸۲ شماره چهار و مقاله چهارم از صفحه ۳۳۱ تا ۳۳۹ شماره پنج مجله ارمنان درج گردیده است (نک: شعاع، ۱۳۱۲ الف).

#### ب. مقاله ابوالعلاء گنجوی

شعاع مقاله‌ای تحت عنوان «ابوالعلاء گنجوی» نیز نوشته است که در شماره ۱۰ در مجله ارمنان سال ۱۳۱۲ از صفحه ۷۰۵ تا ۷۱۳ مندرج است (نک: شعاع، ۱۳۱۲ ب: ۷۰۵ تا ۷۱۳)

#### پ. مکاتبات و مراسلات شعاع

در نسخه دست‌نویس شماره ۳۰۰ کتابخانه دانشگاه تهران که به خط خود شعاع در سال ۱۳۴۷ تحریر شده ۳۴ نامه مضبوط است که یا شعاع ارسال نموده یا دریافت کرده است. مراسله‌هایی که او به افراد مختلف

حکومتی یا دوستان و حتی مخالفان نوشته است.

تعدادی سواد مرا سله یا مکاتبه نیز در نسخه خطی «حال و مقال» تحریر یافته که خود شعاع آن‌ها را در چند بخش طبقه‌بندی کرده: ابتدا مکاتبات شعاع و ملک الشعراى بهار، دوم نامه‌های پراکنده به کسانی مانند میرزا سلیمان خان رکن‌الملک شیرازی متخلص به «خلف»، میرزا سلیمان خان رکن‌الملک، حضرت اشرف اتابک اعظم، آقامیرزا ابوالحسن دستغیب، میرزا سلیمان خان رکن‌الملک و پاسخ برخی از آن‌ها، و سوم مکاتباتی در خصوص اخذ لقب شعاع‌الملک.

## ۲-۳-۴. مقدمه‌نویسی و تصحیح

### الف. تصحیح دیوان باباکوهی

شعاع، دیوان بابکویه شیرازی یا علی ابوعبدالله ابن بابکویه که به باباکوهی نیز نامبردار است (زاده نزدیک به سال ۳۳۷ق، درگذشته ۴۴۲ق) در سال ۱۳۴۷ قمری تصحیح نموده و مقدمه‌ای بر آن افزوده است. شرح حالات باباکوهی که در تذکره ریاض‌العارفین مسطور است توسط میرزا محمدحسین شعاع در دیباچه (ص ۳ تا ۸) آمده است. در انتهای کتاب نیز شرح حال نویسنده از ابوالعباس بن ابوالخیر به چاپ رسیده است (ص ۱۵۰ تا ۱۵۲).

این دیوان شامل غزلیات (ص ۱ تا ۱۴۱)، ترجیعات (ص ۱۴۲ تا ۱۴۵) و رباعیات (ص ۱۴۵ تا ۱۵۰) است. محمد محسن آقابزرگ تهرانی در الدررعیه الی تصانیف‌الشیعه نوشته است: «و هو الذی صحح دیوان باباکوهی و طبعه فی ۱۳۴۷» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق: ج ۹: ۵۲۶) شعاع در تصحیح دیوان به سه نسخه نظر داشته است:

«نسخه‌ای به تاریخ ۱۱۸۹ هجری قمری که اساس کار وی بر آن استوار است و زیاده بر دو هزار بیت از غزلیات، ترجیع‌بند و رباعیات را شامل می‌شود؛ نسخه‌ای به تاریخ ۱۱۶۹ هجری قمری که مجموعه‌ای است از اشعار چند شاعر مختلف و در آغاز نسخه بعضی از اشعار باباکوهی نیز دیده می‌شود؛ نسخه‌ای به تاریخ ۱۲۶۵ هجری قمری که هفده غزل از باباکوهی در آن است. در حاشیه تصحیح محمد حسین شعاع نسخه بدل‌هایی قید شده که کاتب آن معلوم نیست و نیز مشخص نشده که از نسخه‌ای دیگر استفاده شده یا حاصل ذوق مصحح یا کاتبی دیگر است... تصحیح شعاع در سه نسخه در دست است: نسخه چاپ سنگی نستعلیق به نام دیوان حقایق بنیان حکمت ترجمان... به خط محمد ابراهیم مشکین قلم‌الشیرازی چاپ مطبعه سعادت شیراز، کتابخانه معرفت، مورخ ۱۳۴۷ هجری قمری. این نسخه متعلق به کتابخانه آستان قدس رضوی است.

دیوان چاپی به نام دیوان شیخ علی مشهور به باباکوهی، نشر کتابفروشی معرفت شیراز، مورخ ۱۳۳۲ هجری شمسی. این کتاب ظاهراً از نسخه چاپ سنگی به خط مشکین فام نسخه برداری شده که گاه تفاوت‌هایی با آن دارد که ناشی از خطای چاپ است. نسخه خطی نستعلیق فهرست شده در کتابخانه ملی به خط محمدحسن ابن حاجی ابوالحسن (برادر شعاع) مورخ ۱۳۲۶ هجری قمری» (اکرمی، ۱۳۹۲: ۳۳ تا ۳۴)

شعاع در قطعه‌ای از اشعار خویش به تصحیح و طبع دیوان باباکوهی اشاره می‌کند و می‌گوید:

|                          |                            |
|--------------------------|----------------------------|
| گفت بابای کوهیم در خواب  | کی ادیب سخن ور آگاه...     |
| سال فیض از پس وفات من    | می‌رسد ضیف غیبت ناگاه      |
| لیکن از کتب کاتب جاهل    | مانده یوسف صفت به محبس چاه |
| دفع امراض کن از آن مهمان | تا شود شاهد سخن ور شاه...  |
| چون ز تصحیح شعر دیوانم   | شوی آسوده از پس یک ماه     |
| پس به تاریخ فوت من بسرای | اندر این عصر مصرعی دلخواه  |

البته شایان ذکر است که این دیوان منسوب به باباکوهی است و بسیاری از محققان در انتساب آن از حیث اسلوب و انشا و طرز تعبیر و تألیف کلمات شک کرده‌اند و آن دیوان را مقدم بر قرن نهم یا دهم نمی‌دانند. (نک: زرین کوب، ۱۳۷۵: ۲۱۷)

### ب. مقدمه و تصحیح دیوان امیر معزی

دست‌نویس مزبور، هم اکنون در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۴۹۹ در ۳۸۶ صفحه شامل قصاید، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، مسمط، غزلیات، قطعات و رباعیات، مجموعاً ۷۶۰۰ بیت نگهداری می‌شود. شعاع در شرح حال و آثار معزی از برگ ۱۱ تا ۲۰، مقدمه‌ای ۱۸ صفحه‌ای نوشته که در صدر آن مقدمه آمده است: «دبیاچه ذیل را جناب مستطاب افصح المتکلمین و املح المترسلین میرزا محمد حسین متخلص به شعاع شیرازی مؤلف شکرستان فارس و غیرها دامت افاضته در شرح احوال شاعر مقدم و استاد مسلم امیر معزی سمرقندی ناظم این کتاب نگاشته‌اند» (امیر معزی، ۱۳۳۳ق: ۱ر)

شعاع در قطعه‌ای از اشعارش نیز با عنوان «تقریظ بر دیوان امیر معزی» بیان می‌کند که این نسخه، در کتابخانه من است:

|                                     |                                  |
|-------------------------------------|----------------------------------|
| دیوان نظم او ز برای سخن شناس        | بر قدرت سخن‌وری او مبرهن است     |
| از حسن اتفاق به شیراز بی‌نیاز       | دیوان او میان دو اولین مدون است  |
| ناید تو را به دست گر این گنج شایگان | پایی نمای رنجه که در کلبه من است |

کاتب این نسخه برادر شعاع، محمد حسن است که در ترقیم دست‌نویس آمده است: «تمام شد دیوان معانی بیان افصح‌المتقدمین و المتأخرین امیر معزی سمرقندی یا نیشابوری فی یوم دو شنبه بیست و ششم شهر جمادی‌الاولی سنه ۱۳۳۳ قمری نبوی [۲۱ فروردین ۱۲۹۴ ش] کتبه العبد الاقل محمد حسن متخلص به «دبیر» ابن مرحمت‌پناه جنّت‌آرامگاه حاجی ابوالحسن شیرازی. چون این کتاب مستطاب از روی نسخه‌ای که به خط نواب کامیاب جلال‌الدین میرزا ابن شاهرخ میرزای قاجار در سنه ۱۲۹۳ نگارش یافته بود و از روی آن استنساخ نموده، بی اندازه مغلوط و مغشوش می‌نمود. به قدر قوه و اندازه حوصله در مقابله و تصحیح و تربیت و تنقیح آن دقیقه‌ای فروگذار نگشته و نکته‌ای نانویس نمانده...» (همان: ۱۹۹ ر)

از مکتوبات شعاع چنین استنباط می‌شود که این کتاب در سال ۱۳۴۱ قمری به دست ملک‌الشعراى بهار می‌رسد، چنان‌که بهار در جواب مراسله‌ای به شعاع در تاریخ ۱۰ رجب ۱۳۵۰ یعنی ۲۹ آبان ۱۳۱۰ شمسی (که البته ۱۴ آذر درست به نظر می‌رسد) از این کتاب یاد می‌کند و می‌نویسد: «سالی چند پیش از این یکی از کارکنان اداره ایران کتابی بی‌جلد و شیرازه به اداره آورد و گفت دیوان شعر امیر معزی است و آن را برای فروش از شیراز نزد من فرستاده‌اند و به مبلغ پنج تومان فروخت. پس از دریافت کتاب و مطالعه معلوم شد از آثار حضرت مستطاب عالی است و مقدمه زیبایی در شرح حال امیر معزی مرقوم داشته و کتاب هم به خط مبارک است. باور بفرمایید کتاب مزبور با آنکه با دیوان امیر معزی آشنایی کامل داشتیم، مع ذلک عزیزترین مونسى برابم شد و همواره میل داشتیم و سिलتی فراهم آید تا به عرض فدویّت و خلوص نیت در پیشگاه حضرت نایل آییم.» (شعاع، ۱۳۵۰ ق: ۱۶۷ ر)

## ۲-۳-۵. کتابت‌های شعاع

از شعاع علاوه بر نسخه‌های مختلف آثار خویش، کتابت‌هایی به قرار ذیل بر جای مانده است:

### الف. کتابت «دیوان ملولی شیرازی»

دست‌نویس دیوان ملولی شیرازی متعلق به مرکز احیای میراث اسلامی قم به خط محمد حسین شعاع است. تاریخ کتابت این نسخه ۱۳۵۰ قمری است. یادداشت شعاع «به تاریخ سه‌شنبه ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۳۵۰ با مهر مربع محمد حسین و مهر بیضوی «شعاع» دیده می‌شود.» (ملولی شیرازی، ۱۳۸۹: ۳۰)

### ب. کتابت «کلام الملوک»

کلام الملوک میرزا محمد علی نقی صاحب علی‌آبادی که امروزه در مجموعه صدرالدین محلاتی شیراز محفوظ است شعاع شیرازی آن را در ۱۵ محرم ۱۳۵۱ کتابت کرده است. (دانش‌پژوه، ۱۳۴۶، دفتر ۵: ۲۷۳)

### پ. کتابت «جنگ ملتمس الاحباء»

ملتمس الاحباء خالصاً من الرياء یا شدّ الازار اثری است از عیسی بن شیخ معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی، که محمدحسین شعاع آن را در سال ۱۳۴۷ قمری به خط نستعلیق کتابت کرده است. (همان، ج ۳: ۴۴۱) این اثر به شماره «۱۱۴ب» اکنون در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.

### ۲-۳-۶. کتابخانه شعاع

شعاع «شغل و درآمد ثابتی نداشت. با خرید و فروش کتب خطی و آثار عتیقه روزگار می‌گذرانید و گاهی از ممدوحان خویش صله‌هایی می‌گرفت. وی تا پایان عمر مجزّد زیست و هم‌نشین و همسر و هم‌بالین وی، کتاب و دفتر و شعر و نسخ خطی و آثار هنری از قبیل مُهر و سکه و تسبیح و غیره بود. اگر جایی یکی از این آثار هنری را سراغ می‌گرفت تا بدان دست نمی‌یافت، آرام نمی‌نشست. حاصل این تلاش‌ها فراهم آوردن مجموعه بی‌ظنیری از کتاب‌های خطی نفیس و گنجینه‌ای از دیگر نوادر هنری بود و چه بسا نسخه‌های منحصر به فردی که در کتابخانه وی فراهم آمده بود» (شعاع، ۱۳۸۰، مقدمه: ۱۶)

شعاع شیفته کتاب بود و با اهل کتاب و کتابخانه و کتاب‌فروشی رفت و آمد داشت؛ چنان‌که رکن‌زاده آدمیت می‌نویسد: «نگارنده از سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۷ شمسی که در شیراز کتابخانه آدمیت را داشت با او محشور بود، به این معنی که هفته‌ای چند روز به کتابخانه می‌آمد» (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۳۷، ج ۳: ۲۶۸) و علاقه وافری به جمع‌آوری کتاب داشت. محمد قزوینی درباره وی می‌نویسد: «شعاع، کتابخانه بسیار نفیس و جامعی در مدت عمر خود جمع کرده بود که حاوی بسیاری از نسخ خطی نادره نایاب بود.» (قزوینی، ۱۳۲۷: ۵۲ تا ۵۳) خود شعاع در یکی از مراسلات خویش به رکن‌الملک نوشته است: «از دواوین شعراي عجم کمتر دیوانی است که مخلص ندیده یا دارا نباشد». وی «عشق وافری به جمع کتب خطی و نفایس هنری داشت و کتابخانه‌اش شامل نسخ نفیسه خطی بود که پس از فوتش گویا به وسیله برادرزاده‌اش به بهای اندک فروخته شد.» (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۳۷، ج ۳: ۲۶۸) و این‌علی اصغر حکمت بود که بخشی از آن را خریداری نمود و در ۲۱ خرداد ۱۳۵۱ شمسی همراه با ۶ هزار جلد کتاب کتابخانه شخصی علی اصغر حکمت طی مراسمی به کتابخانه دانشگاه تهران انتقال داد و بنابراین بسیاری از این کتب محفوظ ماند (نک: «انتقال کتابخانه...»، ۱۳۵۱: ۲۴۱ تا ۲۴۲)

شعاع در دیوانش دو بار از سرقت کتاب‌هایش یاد می‌کند، یکی در سفر بوشهر که در دشت کمارج کتب او را به سرقت بردند:



امیدوار چنانم به هیچ‌کس مرساد      به راهدار رسید آن‌چه بر من مضطر...  
هزار جلد کتاب از رهی به غارت رفت      که داشت هر یک از آن قیمتِ دو صد دفتر  
و یا گفته است:

به تنگِ ترکان، ترکانِ غارتی بردند      کتاب را چو ثیاب و صلیب را چو سلب  
برای دومین بار در شیراز، منزلش مورد سرقَت قرار گرفت:

دوش از گردشِ چشمان تو خوابم کردند      دور از خانهٔ تو خانه‌خراجم کردند...  
از خدا بی‌خبرانی که ندارند کتاب      فارغ از دفتر و دیوان و کتابم کردند

وی شیفتهٔ کتاب و عاشق جمع‌آوری نسخ خطی بود، با آنکه از نظر وضع مالی مرفه نبود ولی از گوشه و کنار کتاب‌هایی تأمین می‌کرد. در دیوانش درخواست کتاب از بزرگان آن روزگار به فراوانی دیده می‌شود. برای نمونه، درخواست کتاب «سرگذشت مسعودی» از ممدوح:

شها! تویی که کند سرگذشتِ آثارت      به رای دفتر شاهانِ ماسبق توییخ...  
نگه کنند چو بر سرگذشتِ مسعودی      شهان ز شرم نمایند چهره چون زرنیخ  
به خاکِ پای تو دارم تمنّی آنکه ز مهر      نشان دهند غلامانِ شاهم آن تاریخ

البته داشتن چنین کتابخانه بزرگی برای کسی که قصد نوشتن چنین تذکره‌های معتبری داشته، ضروری به نظر می‌رسد.

### ۲-۳-۷. برخی نسخ خطی موجود در کتابخانهٔ شعاع

شعاع چندین مُهر بیضوی و دایره‌ای داشت که کتاب‌های موجود در کتابخانهٔ خود را با آن‌ها مُهر می‌نمود. بسیاری از نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های معتبر ایران که ممه‌ور به مُهرهایی با عنوان «شعاع» یا «شعاع‌الملک» هستند و آن نشان می‌دهد که روزگاری جزو کتابخانهٔ شخصی و بزرگ شعاع بوده است. برخی از آن نسخ خطی به قرار ذیل است:

تغزیه‌نامه‌ای موسوم به «جُنگ شعاع» (کتابخانهٔ ملک، شمارهٔ ۳۸۱۶)، «مثنوی مولوی» (جعفریان، ۱۳۷۶، ج ۵: ۶۱۸)، «تاریخ کرمان» (وزیری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۵۸)، «زادالمسافرین» (کتابخانهٔ دانشگاه بوعلی همدان، شمارهٔ ۳۶)، «شدّالازار» جنید شیرازی (دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران، شمارهٔ ۱۴ ب)، «دیوان کمال خجندی» (کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، شمارهٔ ۶)، «دیوان سلطان ولد» (کتابخانهٔ مجلس، شمارهٔ ۱۳۴۹۹)، «لب لباب معنوی» از ملاحسین واعظ کاشفی (کتابخانهٔ مجلس، شمارهٔ ۱۴۰۴۷)، «شرح دیوان

انوری» از میرزا ابوالحسن حسینی فراهانی (کتابخانه مرعشی نجفی قم، شماره ۱۱۷۷۷)، «دیوان قاسم انوار» (کتابخانه مجلس، شماره ۷۸۱۳)، «دیوان واعظ قزوینی» (کتابخانه مجلس، شماره ۷۸۰۴)، «دیوان حجت مشهدی» (کتابخانه مجلس، شماره ۱۳۵۰۸)، «یوسف و زلیخا» (کتابخانه مجلس، شماره ۱۳۶۷۳)، «دیوان فرخی» (کتابخانه دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، شماره ۳۲۹)، «دیوان مشتاق اصفهانی» (کتابخانه مجلس، شماره ۱۳۶۹۸ و شماره پیشین ۸۶۷۵۹)، «دیوان عاشق اصفهانی» (کتابخانه مجلس، شماره ۱۳۶۳۹)، «خسرو و شیرین» و فای (کتابخانه مجلس، شماره ۱۳۶۹۶)، «خسرو و شیرین» شعله تبریزی (کتابخانه مجلس، شماره ۱۴۱۴۰)، «دیوان فتحی» (دانش پژوه، دفتر ۶، ص ۸۹)، «دیوان ملولی» (کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی قم، شماره ۱۱۴۶)، «دیوان باباکوهی» (فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد ۱۶: ۲۰۳)، «دیوان سائل» (کتابخانه ملی، شماره ۳۷۴۸۶) و صدها نسخه خطی دیگر که مهور به مهر شعاع یا شعاع الملک است و روزگاری جزئی از کتابخانه وی به شمار می آمده است.

## ۲-۴. نسخ خطی آثار شعاع

### ۲-۴-۱. نسخه خطی ۳۰۰ در کتابخانه دانشگاه تهران

این نسخه که به دست خط خود شاعر است به شماره ۳۰۰ در بخش هدایی مرحوم علی اصغر حکمت کتابخانه دانشگاه تهران به ثبت رسیده است. این دست‌نویس ۴۰۰ برگی که در سال ۱۳۴۷ نوشته شده چنان که شعاع می‌نویسد با وجود اجمال، آشفتگی فراوانی در چیدمان اشعار دارد. در ترقیمه این دست‌نویس آمده است: «نظر به علت چشم و گرفتاری‌های رنگارنگ، اشعار مشوش خود را در این کتاب از روی مسوده‌های متفرقه به خطوط مختلفه‌ای نویسانده تا وقتی به شرط حیات مرتبش دارم و شعرهای گوناگون را هر یک به جای خود بنگارم. حزره محمدحسین شیرازی متخلص به شعاع و ملقب به شعاع الملک؛ فی یوم شنبه نوزدهم شهر محرم الحرام ۱۳۴۷ هجری قمری نبوی صل الله علیه و آله» (شعاع، ۱۳۴۷ ق)

### ۲-۴-۲. نسخه خطی ۳۰۳ در کتابخانه دانشگاه تهران

این دست‌نویس به شماره ۳۰۳ در بخش هدایی مرحوم حکمت کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌شود و با خط ملاحسین علی قشقایی در سال ۱۳۴۸ یعنی یک سال پس از تحریر نسخه پیشین نگارش شده است. این نسخه خطی ۲۸۸ برگ با ابعاد ۳۲/۵ در ۲۰ سانتی‌متر دارد که از نظر شکل و محتوا نظمی یافته است.

ناسخ در پایان بخش مثنوی‌ها نوشته است: «تمّ المثنویات فی یوم یکشنبه ۲۹ شهر جمادی الثانی فی شهر سنه ۱۳۴۸ هجری قمری نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌حزّره‌العبد الذنب قربان‌علی ابن مرحمت‌پناه حسین‌علی ساکن الشیراز.» (شعاع، ۱۳۴۸ق: برگ ۸۸ر)

ناسخ در پایان بخش رباعی‌ها نیز نوشته است: تمّ الکتاب بعون المَلِک الوهّاب حزّره‌العبد الاثم قربان‌علی ابن المرحوم ملاحسین‌علی من طایفه قشقای. فی یوم شنبه ۱۹ شهر رجب‌المرجّب من شهر سنه ۱۳۴۸ هجری قمری نبوی (ص)

#### ۲-۴-۳. نسخه خطی ۳۰۲ در کتابخانه دانشگاه تهران

این دست‌نویس که به شماره ۳۰۲ در بخش علی اصغر حکمت کتابخانه دانشگاه تهران موجود است ۳۴ برگ دارد که منحصراً در برگ‌برنده برخی از هجویات شعاع است. این دفتر ۴۶۴ بیتی، ابیاتی تکراری دارد و گاهی اشعار شعرايي مثل سعدی، ناصرالدین سالار مشهور به سالار جنگ، شیخ‌الرئیس افسر و فرید احوال اصفهانی که شعاع اشعار آنان را پاسخ گفته، آورده است. منتها اشعاری نیز دارد که در هیچ‌کدام از نسخ دیگر موجود نیست. در میانه این دست‌نویس سال استنساخ آن ۱۳۵۲ قید شده و آورده است: «حزّره فی یوم شنبه ۴ محرم‌الحرام سنه ۱۳۵۲ هجری قمری نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» (شعاع، ۱۳۵۲ق)

#### ۲-۴-۴. نسخه خطی ۲۹۸ در کتابخانه دانشگاه تهران

این نسخه نیز به شماره ۲۹۸ در بخش علی اصغر حکمت کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. در ابتدای این نسخه خطی نوشته شده: «حزّره فی یوم دوشنبه ششم محرم‌الحرام ۱۳۵۵» (شعاع، بی‌تا، ب) این نسخه ۳۱ برگ، دارای ۲۱ قصیده، ۱۶ قطعه و یک ترکیب‌بند مفصل است که جمعاً ۵۶۲ بیت را در بر می‌گیرد.

#### ۲-۴-۵. نسخه خطی ۲۹۹ در کتابخانه دانشگاه تهران

این دست‌نویس که به شماره ۲۹۹ در بخش علی اصغر حکمت کتابخانه دانشگاه تهران موجود است، اختصاص به اشعاری دارد که شعاع ماده تاریخ‌ها را مطرح کرده از تاریخ تألیف آثار تا تولد، ازدواج، مرگ و تاج‌گذاری. این نسخه خطی ۵۱ برگ حدوداً ۱۰۶۰ بیت دارد. (شعاع، بی‌تا، ج)

**۲-۴-۶. نسخه خطی ۲۹۶ در کتابخانه دانشگاه تهران**

این دست‌نویس هم به شماره ۲۹۶ در بخش هدایی علی‌اصغر حکمت کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. این نسخه دارای ۲۰۴ برگ است و هیچ ترقیم یا تاریخی در آن وجود ندارد، ولی به نظر می‌رسد متأخرتر از دیگر نسخ است. (شعاع، بی‌تا، الف)

**۲-۴-۷. نسخه خطی ۳۰۱ در کتابخانه دانشگاه تهران**

این دست‌نویس که تنها شامل هزلیات و هجویات شعاع است. به شماره ۳۰۱ در بخش علی‌اصغر حکمت کتابخانه دانشگاه تهران موجود است. در ابتدای این نسخه خطی ۵۳ برگ و ۹۶۸ بیتی آمده است: «دفتر هزلیات و هجویات و مطالیبات از کلیات دیوان افصح المتکلمین و املح المترسلین آقا میرزا محمد حسین شیرازی المتخلص به شعاع استنساخ شد.» (شعاع، بی‌تا، د)

**۲-۴-۸. نسخه خطی ۲۹۵ در کتابخانه دانشگاه تهران**

در بخش هدایی علی‌اصغر حکمت کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مجموعه‌ای به شماره ۲۹۵ وجود دارد که در آن چند بخش دیده می‌شود. ناسخ، ابتدا تا برگ ۶۴ به ذکر احوال و اشعار سه شاعر هم‌زمان شعاع یعنی زرگر اصفهانی (وفات ۱۲۷۰ق)، حجاب شیرازی (وفات ۱۲۶۹ق) و مضطرب شیرازی (۱۳۱۰ق) از روی تذکره شعاعیه پرداخته و در همان جا ترقیمه‌ای است که نسخه‌نویس را چنین معرفی می‌کند: «تم الكتاب بعون الملك الوهاب، حرره محمد حسن متخلص به دبیر، ابن مرحمت‌پناه جنت‌آرامگاه حاجی ابوالحسن شیرازی فی ۲۶ شهر ذالحجّة الحرام سنة ۱۳۳۲» (شعاع، ۱۳۲۲ق)

از برگ ۶۵ تا ۸۷ اشعار پراکنده‌ای از محمد حسین شعاع مکتوب است و از برگ ۸۸ تا ۱۲۱ شامل ۱۱۳ بیت است از شعرای متقدم و معاصر که در آن نام «شعاع» مذکور است و موسوم است به «شعشعه». چنان‌که خود در مقدمه آن می‌نویسد: «شاهزاده آزاده ملک منصور میرزای شعاع‌السلطنه دامت شوکتة... روزی دو سه پیش از این مرا فرمود تو با آن دست و تتبعی که در دواوین شعرای نامدار و دفاتر فصحای عالی‌مقدار داری خوب است به مناسبت تخلص خویش و لقب خجسته حسب من اشعاری که مشحون به لفظ شعاع می‌باشد اعم از مدح یا قدح، تقاضا و تغزل یا مثنوی، ترجیع یا ترکیب، ترغیب یا تشبیب، به اظهار اسم و رسم گوینده در روی صفحه‌ای به صورت کتاب بنگاری و به زودی به نزد ما آری، لازمه ادب را انگشت قبول بر دیده گذاشتم و مفردات اشعاری که در آن زمینه به خاطر داشتم به روی جزوه‌ای نگاشته به نظر کیمیا اثر رسانیده، اهدای

حضور مکرم دستور نمود»

این دست‌نویس به قلم خود شعاع نوشته شده که در پایان دیباچه می‌نویسد: «حزّره العبد الاقل محمّد حسین متخلص به شعاع شیرازی، فی شعبان ۱۳۲۲»

#### ۲-۴-۹. نسخه خطی ۲۹۷ در کتابخانه دانشگاه تهران

نسخه ۲۹۷ بخش کتب اهدایی مرحوم حکمت در کتابخانه دانشگاه تهران با عنوان «حال و مقال» شعاع دارای ۱۷۹ برگ است. شعاع در ۴ صفحه حسب حال و زندگی‌نامه خود را شرح داده و آثار خویش را معرفی نموده است و سپس از برگ ۱۰ تا ۱۵۶ اشعار خود را نوشته است و از برگ ۱۵۷ تا ۱۸۴ مراسلات شعاع آمده است. مراسلاتی که مهم‌ترین بخش آن مکاتباتش با ملک الشعراء بهار و سواد نامه‌هایی است که افراد مختلف از فرمان‌فرما گرفته تا دیگران، برای دریافت لقب شعاع‌الملک نوشته‌اند. در پایان، تاریخ تحریر را یعنی «یوم شنبه ۱۲ جمادی‌الثانیة ۱۳۵۰ هجری» مکتوب کرده است (شعاع، ۱۳۵۰ق)

#### ۲-۴-۱۰. نسخه خطی ۷۹۱۱ در کتابخانه مجلس

نسخه خطی تذکرة الشعراء شعاع به شماره ۷۹۱۱ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود و شامل معرفی، احوال و آثار شعراء متقدم از روی منابع گوناگون است. در پایان این تذکرة ۱۰۰ برگی «سواد مراسله به آقای سالار جنگ دوشنبه ۲۸ ذی‌حجّة ۱۳۵۱ هجری قمری نبوی (ص)» به خط خود محمّد حسین شعاع در ۴ صفحه آمده است (شعاع، ۱۳۵۱ق)

#### ۲-۴-۱۱. نسخه خطی اشعه سعدی

کتاب سنگی سربی اشعه سعدی که به شماره ۵۱۱۱۶ در کتابخانه مجلس محفوظ است، مجموعه‌ای است از دو بخش. بخش نخست شامل یک قصیده ۸۴ بیتی با نام «اشعه سعدیه» و سه قطعه جمعاً ۱۴ بیت از شعاع به صورت خطی و چاپ سنگی در ۷ صفحه هست. بخش دیگر این نسخه که گویا ابتدا مجزاً بوده و با هم صحافی شده، به صورت چاپ سربی دو قسمت دارد: اول «شرح حال یغما (جغرافیای جندق و بیابانک)» به قلم حبیب یغمایی جندقی و دوم «تتبع و انتقاد احوال و آثار سلمان ساوجی» تألیف رشید یاسمی (ناشر: کتابخانه شرق) است. در پایان بخش نخست آمده: «تحریراً فی بیست و چهارم جمادی‌الثانیة ۱۳۳۶، ۱۷»

حمل ۱۲۹۷؛ نَمَقَه العبد محمود بن علی نقی غفرلهما» (شعاع، ۱۳۳۶ق)

### ۲-۴-۱۲. نسخه چاپ سربی خردپژوهان

نامه خردپژوهان به سعی و اهتمام محمد رضای هزار شیرازی (به شماره ۲۳۸۲۳ کتابخانه مجلس) در ۱۲۱ صفحه در سال ۱۳۰۲ در چاپخانه هزار شیراز چاپ سربی شده است. این اثر حاوی پاره‌ای از اشعار آبدار سخن سرایانی مثل میرزا ناصرخان شیرازی (سالار جنگ)، حسن علی قصاب، شیخ محمدخان کازرونی (ایزدی)، میرزا محمد حسین شعاع، میرزا محمودخان فسایی (نعمت) است. بخش اشعار شعاع در سال ۱۳۰۳ در یازده صفحه منتشر شده است.

محمد رضای هزار شیرازی در پایان اشعار شعاع نوشته است: «با یک دنیا تأسّف مابقی اشعار این شاعر عالی قدر را می‌گذاریم برای هنگامی دیگر که پس از تحصیل اجازه از خود ایشان به هر ترتیب که ممکن گردد، چاپ و دوست‌داران ادبیات را بیشتر مشغول مطالعه اشعار آبدار نماییم»

### ۲-۴-۱۳. نسخه خطی ۱۴۵ در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

دیوان شعاع به شماره ۱۴۵ و شماره ثبت ۶۶۸۲۳ در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی نگهداری می‌شود. این دست‌نویس ۱۷ برگی ۳۳ صفحه دارد که شعاع اشعار برگزیده‌ای در هزاره فردوسی جهت چاپ برای سلطنتی سلطانی فرستاده که در مجله مهر منتشر شود. آنچنان که آقای سلطانی در ابتدای نسخه به تاریخ ۱۳۳۵/۱/۲۳ نوشته: «آقای [مجید] موقر مدیر مهر از چاپش دریغ ورزید». آنچنان که به نظر می‌آید اغلب اشعار این دست‌نویس در شماره ۲ مجله ارمان اردیبهشت سال ۱۳۱۴ شمسی به قلم شاعر درج گردیده است (شعاع، ۱۳۳۵ق).

این نسخه شامل ۷ قصیده، ۴ قطعه، ۷ غزل و ۱۹ رباعی جمعاً ۳۱۳ بیت است. در این دست‌نویس مَهْری دیده می‌شود با این محتوا: «اهدایی سلطنتی سلطانی؛ شیخ الاسلامی بهبهانی».

### ۳. نتیجه‌گیری:

محققان پیشین به علت عدم بررسی متن کامل دیوان شعاع شیرازی، در باب زندگی و احوال وی اطلاعات محدودی ارائه کرده و یا دچار لغزش‌هایی شده بودند. این پژوهشگر با مطالعه ۱۳ نسخه خطی یا ۱۱۰۲۰

بیت، به بررسی مجدد زندگی و احوال و تحلیل نسخ خطی دیوان وی پرداخت که بعضی از لغزش‌ها مثل سال وفات و محل دفن شاعر را اصلاح و برخی زوایای زندگی و شخصیت اجتماعی شاعر را شناسایی نمود. این نویسنده برخی از آثار شعاع شیرازی مانند هجونه، مقالات، تصحیح‌ها و کتابت‌های شعاع را که پیش از این معرفی نشده بود به جامعه ادبی معرفی و تلاش کرد که زندگینامه تقریباً کاملی از وی ارائه و موارد ایرادی را مرتفع کند. در مورد گمنامی شعاع بحث شد که یکی از علل عمده آن می‌تواند مقبول نبودن اخلاقی ایشان نزد عوام و خواص روزگار خویش باشد. در بخش دوم تمامی نسخ موجود دیوان شعاع که قبل از این معرفی نشده بود، مورد تحلیل قرار گرفت و جزییات مورد نیاز جهت شناخت شاعر مطرح گردید.

### پی‌نوشت

۱. مرحوم محمد قزوینی به اشتباه تاریخ تولد وی را ۱۲۷۶ قمری ذکر می‌کند (نک: قزوینی، ۱۳۲۷: ۵۲).
۲. محمود طاووسی در مقدمه تذکره شعاعیه سهواً سن شعاع را در زمان وفات، ۸۷ سالگی می‌داند که آن نتیجه خطای محمد قزوینی در ثبت سال تولد شعاع بوده است. (نک: شعاع، ۱۳۸۰: ۱۶ و قزوینی، ۱۳۲۷: ۵۲).
۳. نویسنده این سطور دیوان اشعار شعاع شیرازی را تصحیح نموده که در انتشارات موقوفات دکتر افشار در نوبت چاپ قرار دارد.

### منابع

- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق) الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء، ۲۶ ج.
- اکرمی، محمد رضا (۱۳۹۲) «بررسی واو ربط در تصحیح دیوان باباکوهی»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، سال سوم، شماره ۳، ص ۳۱ تا ۶۳.
- امیر معزی، ابوعبدالله محمد (۱۳۳۳ق) دیوان امیر معزی، به تصحیح محمد حسین شعاع، نسخه خطی ۲۴۹۹، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- انتقال کتابخانه علی‌اصغر حکمت به کتابخانه مرکزی (۱۳۵۱) یغما، ش ۲۸۶، تیرماه، ص ۲۴۱ و ۲۴۲.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۶) میراث اسلامی ایران، ۱۰ ج، قم: کتابخانه مرعشی نجفی.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، ایرج افشار (۱۳۴۶) نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد ۵، تهران: دانشگاه تهران.
- دانشور، عبدالمحمد (۱۴۰۱) در جستجوی رفتگان در شیراز، تهران: آفرینش.
- رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین (۱۳۳۷) دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ۵ ج، تهران: کتابفروشی اسلامییه و ختام.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۵) جستجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر.
- شعاع، محمد حسین (۱۳۱۲ق)، الف «مجد همگر ۱»، ارمغان، د ۱۴، ش ۲ و ۳ و ۴ و ۵، اردیبهشت و خرداد و تیر و مرداد.
- شعاع، محمد حسین (۱۳۱۲ق)، ب «ابوالعلاء گنجوی»، ارمغان، د ۱۴، ش ۱۰، ص ۷۰۵ تا ۷۱۳.
- شعاع، محمد حسین (۱۳۱۳) جنگ شعاع (اشعار شعاعی متقدم و معاصر)، نسخه خطی ۹۶۴۸، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- شعاع، محمد حسین (۱۳۲۲ق) نسخه خطی شماره ۲۹۵ (رساله شعاعیه)، کتابخانه دانشگاه تهران، بخش اهدایی علی‌اصغر حکمت.
- شعاع، محمد حسین (۱۳۲۹ق) اشعه شعاعیه، محمد حسین شعاع، نسخه خطی شماره ۲۰۴/۱، تهران: کتابخانه دانشگاه تهران.
- شعاع، محمد حسین (۱۳۳۵ق) دیوان اشعار نسخه خطی شماره ۱۴۵ و شماره ثبت ۶۶۸۲۳، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- شعاع، محمد حسین (بی‌تا، الف)، دیوان اشعار، نسخه خطی شماره ۲۹۶، تهران: کتابخانه دانشگاه تهران، بخش اهدایی علی‌اصغر حکمت.

- شعاع، محمد حسین (بی‌تا، ب) دیوان اشعار، نسخه خطی شماره ۲۹۸، تهران: کتابخانه دانشگاه تهران، بخش اهدایی علی اصغر حکمت.
- شعاع، محمد حسین (بی‌تا، ج) دیوان اشعار (اشعار تاریخی یا ماده تاریخ)، نسخه خطی شماره ۲۹۹، تهران: کتابخانه دانشگاه تهران، بخش اهدایی علی اصغر حکمت.
- شعاع، محمد حسین (بی‌تا، د) دیوان اشعار، نسخه خطی شماره ۳۰۱، تهران: کتابخانه دانشگاه تهران، بخش اهدایی علی اصغر حکمت.
- شعاع، محمد حسین (۱۳۳۶ق) اشعه سعدی، نسخه خطی ۵۱۱۱۶، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- شعاع، محمد حسین (۱۳۴۷ق) دیوان اشعار، نسخه خطی شماره ۳۰۰، به خط شاعر، تهران: کتابخانه دانشگاه تهران، بخش اهدایی علی اصغر حکمت.
- شعاع، محمد حسین (۱۳۴۸ق) دیوان اشعار، نسخه خطی شماره ۳۰۳، به خط مرحوم ملاحسین علی قشقای، تهران: کتابخانه دانشگاه تهران، بخش اهدایی علی اصغر حکمت.
- شعاع، محمد حسین (۱۳۵۰ق) حال و مقال، نسخه خطی شماره ۲۹۷، تهران: کتابخانه دانشگاه تهران، بخش اهدایی علی اصغر حکمت.
- شعاع، محمد حسین (۱۳۵۲) دیوان اشعار (هجویات)، نسخه خطی شماره ۳۰۲، تهران: کتابخانه دانشگاه تهران، بخش اهدایی علی اصغر حکمت.
- شعاع، محمد حسین (۱۳۵۱ق) تذکره الشعراء، نسخه خطی ۷۹۱۱، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- شعاع، محمد حسین (۱۳۸۰) تذکره شماعیه، به تصحیح محمود طلووسی، شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- شعاع، محمد حسین (۱۳۹۲) شکرستان پارس، به تصحیح عبدالرسول فروتن، ج ۲، قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- شوریده شیرازی (۱۳۸۸) دیوان اشعار، شرح و تحشیه حسن فصیحی، به اهتمام خسرو فصیحی، ج ۲ تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و مکتب گیل.
- صدرایی خوبی، علی (۱۳۷۶) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس، ج ۲۶، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی با همکاری کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- فرصت شیرازی، محمد (۱۳۷۵) شعرای دارالعلم شیراز، به تصحیح منصور رستگار فسائی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- فروتن، عبدالرسول (۱۳۹۱) «معرفی، بررسی و تحلیل تذکره شکرستان پارس»، مجموعه مقالات ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی، دانشگاه شهید بهشتی.
- قزوینی، محمد (۱۳۲۷) «یادداشت‌های تاریخی: وفیات تاریخی»، یادگار، سال پنجم، ش ۳، ص ۵۱ تا ۷۲.
- گلچین معانی، احمد (۱۳۵۰) تاریخ تذکره‌های فارسی، احمد، تهران: دانشگاه تهران.
- ملولی شیرازی (۱۳۸۹) دیوان اشعار، به تصحیح رقیه فراهانی، قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- وزیر، احمد علی‌خان (۱۳۸۵) تاریخ کرمان، به تصحیح محمد ابراهیم باستانی باریزی، ج ۱، تهران: علم.
- هزار شیرازی، محمد رضا (۱۳۰۲) خریدپژوهان (گزیده اشعار سالار جنگ، ایزدی، شعاع، نعمت)، شیراز: چاپخانه هزار.

## References

- Akrami, M. (2013). "A Study on Vav-e Rabt in the Edition of Baba Kuhl's Diwan", *Literary Criticism and Stylistic Research Quarterly*, 3 (3): 31-63. [In Persian]
- Aqabozorg Tehrani, M. (1982). *Al Zaria men al Tassanif al Shia*, Beirut: Dar-al-azva, (Vol. 26). [In Arabic]
- Danesh Pajough, M. & Afshar, I. (1967). *The Journal of Manuscripts of the Central Library of Tehran University*. Vol. 5. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Daneshvar, A. (2022). *In Search of the Lost in Shiraz*, Tehran: Afarinesh. [In Persian]
- Foroutan, A. (2012). "Introduction and Analysis of Tazkareh-ye Shekarestan-e Pars", *Proceedings of the 6<sup>th</sup> National Conference of Literary Researchs, Shahid Beheshti University*. [In Persian]
- Forsat Shirazi, M. (1996). *Poets of Darolelm of Shiraz* (M. Rastgar Fasaee, ed.), Shiraz: University Of Shiraz. [In Persian]
- Gulchin Maani, A. (1971). *The History of Persian Tazkarehs*, Tehran: University Of Tehran. [In Persian]
- Hezar Shiri, M. (1923). *Kherad Pazhouhan*, Shiraz: Hezar Printery. [In Persian]
- Jafarian, R. (1997). *Islamic Heritage of Iran* (Vol. 10), Qom: Marashi Najafi Library. [In Persian]
- Malouli Shirazi (2010). *The Diwan* (R. Farrahani, ed.), Qom: Assembly of Islamic Reserves. [In Persian]
- Muizzi, A. (1914). *The Diwan* (M. Shoa, ed.), Manuscript (No. 2499), Tehran: Library, Museum and Document



- Center of Iran Parliament. [In Persian]
- Qazvini, M. (1948). "Historical Notes: Deaths of Contemporaries", *Yadegar*, 5 (3): 51-72. [In Persian]
  - Roknzade Adamiyat, M. (1958). *Scientists and Orators of Fars*. Vol. 5. Tehran: Eslamiye and Khayyam Bookstore. [In Persian]
  - Sadraei Khoei, A. (1997). *List of Manuscripts of Library of Iran Parliament*. Vol. 26. Tehran: Center of Islamic Studies and Research in Partnership with Library, Museum and Document Center of Iran Parliament. [In Persian]
  - Shoa', M. (1894). Abol Ala Ganjavi, *Armaghan*, 14 (10): 705-713. [In Persian]
  - Shoa', M. (1894). Majd Hamgar, *Armaghan*, 14 (2, 3, 4, 5). [In Persian]
  - Shoa', M. (1913). The Diwan, Manuscript (no. 299), Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia. [In Persian]
  - Shoa', M. (1934). Jong-e Shoa', Manuscript (no. 9648), Tehran: Library, Museum and Document Center of Iran Parliament. [In Persian]
  - Shoa', M. (1947). Resale-ye Shashaiyeh, Manuscript (no. 295), Tehran: Central Library of University of Tehran. [In Persian]
  - Shoa', M. (1950). Ashae-ye Shoeiye, Manuscript (no. 304/1), Tehran: Central Library of University of Tehran. [In Persian]
  - Shoa', M. (1957). Ashae-ye Sadi, Manuscript (no. 51116), Tehran: Library, Museum and Document Center of Iran Parliament. [In Persian]
  - Shoa', M. (1968). The Diwan, Manuscript (no. 300), Tehran: Central Library of University of Tehran. [In Persian]
  - Shoa', M. (1969). The Diwan, Manuscript (no. 303), Tehran: Central Library of University of Tehran. [In Persian]
  - Shoa', M. (1971). Hal O Maqal, Manuscript (no. 297), Tehran: Central Library of University of Tehran. [In Persian]
  - Shoa', M. (1972). Tazkarat al-Shoara, Manuscript (no. 7911), Tehran: Library, Museum and Document Center of Iran Parliament. [In Persian]
  - Shoa', M. (1973). The Diwan, Manuscript (no. 302), Tehran: Central Library of University of Tehran. [In Persian]
  - Shoa', M. (2001). *Tazkare-ye Shoa'iye* (M. Tavousi, ed.), Shiraz: Fars Shenasi Foundation. [In Persian]
  - Shoa', M. (2013). *Shekarestan Pars*. vol. 2. Foroutan, A. (ed.) (Vol. 2), Qom: Assembly of Islamic Reserves. [In Persian]
  - Shoa', M. (n.d.). The Diwan, Manuscript (no. 296), Tehran: Central Library of University of Tehran. [In Persian]
  - Shoa', M. (n.d.). The Diwan, Manuscript (no. 298), Tehran: Central Library of University of Tehran. [In Persian]
  - Shoa', M. (n.d.). The Diwan, Manuscript (No. 299), Tehran: Central Library of University Of Tehran. [In Persian]
  - Shoa', M. (n.d.). The Diwan, Manuscript (no. 301), Tehran: Central Library of University of Tehran. [In Persian]
  - Shoorideh Shirazi (2009). *The Diwan*. Vol. 2. Fasihi, Kh. (ed). (Commented by H. Fasihi) Tehran: Islamic Studies Institute of Tehran University and McGill University. [In Persian]
  - "Transfer Of Ali Asghar Hekmat's Library to the Central Library" (1972). *Yaghma*, (286): 241-241. [In Persian]
  - Vaziri, A. (2006). *History of Kerman*. Vol. 1. (M. Bastani Parizi, ed.), Tehran: Elm. [In Persian]
  - Zarrinkoob, A. (1996). *Search in Mysticism of Iran*, Tehran: Amir Kabir. [In Persian]